

 10.30497/IRJ.2022.76403

*Bi-quarterly Scientific Journal of "Research Letter of Social Jurisprudence"
Vol. 11, No. 1 (Serial 21), Autumn 2022 and Winter 2023*

A Jurisprudential and Legal Study of Exposing Officials' Economic Corruption in the Islamic Government

Masoud Maddah*
Seyyed Hamed Hossein Hosseini Khamenei **
Hossein Radaee***

Received: 11/02/2022

Accepted: 05/07/2022

Abstract

A major issue in seeking justice is people's duty of standing against the officials' corruptions in the Islamic Government discussed in Fiqh books under the category of 'enjoining what is right and forbidding what is evil'. In regard to the development and complexity of modern governments, this religious duty cannot be effective individually especially as it concerns the corruptions that widely affect the societies. It is therefore incumbent upon the general public to come into action while abiding by sharia. Nowadays, the expansion of virtual and social media could be the best means for achieving the goal and has to be taken into consideration in Islamic societies. Here, after a brief look at the corruption exposure concept, and the sharia decree against corruption that could extend to acts such as backbiting, libeling the believers and propagation of corruption, and the status of the act as an instance of 'enjoining what is right and forbidding what is evil', we have reached the conclusion that if fiqh principles are observed carefully, the act of exposure is totally permitted.

Keywords

Justice Seeking; Exposure; Corruption; Officials; Islamic Government.

* Ph.D Student, Law and Criminology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran
(Corresponding Author) masoud.maddah110@gmail.com

** Assistant Professor, jurisprudence and Islamic Law, Shahid University, Tehran, Iran.

*** Professor, Qom Seminaries, Qom, Iran.

بررسی فقهی و حقوقی افشاگری مفاسد کارگزاران در حکومت اسلامی

مسعود مداح*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

سیدحامد حسین حسینی خامنه‌ای**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴

حسین ردایی***

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

یکی از موضوعات مهم در راستای عدالت‌خواهی، وظیفه عموم مردم جامعه در مقابله با مفاسد و منکرات کارگزاران حکومت اسلامی است که در کتب فقهی عمدتاً ذیل عنوان امر به معروف و نهی از منکر از آن بحث شده است. با توجه به رشد جوامع و پیچیده‌تر شدن ساختارهای حکومت — مخصوصاً در مورد مفاسدی که اثرات مهمی بر جامعه دارند — عمدتاً امر به معروف و نهی از منکرهای انفرادی مؤثر واقع نمی‌شوند. از این رو اقدام عمومی در شرایطی که مشروع باشد، یکی از راه‌های مؤثر در رفع یا دفع فساد خواهد بود. حال با پیشرفت مطبوعات و رسانه‌های مجازی و به‌طور کلی، افزایش راه‌های ارتباط اجتماعی، ممکن است از این ابزار جهت افشاگری نسبت به این مفاسد با هدف اطلاع‌رسانی و دعوت عمومی برای مقابله با فساد استفاده شود که به‌عنوان یکی از مسائل مبتلا به در جامعه اسلامی، ضرورت پیدا می‌کند تا مورد بررسی واقع شود. در این تحقیق پس از بیان اجمالی مفهوم افشاگری، حکم شرعی افشاگری فساد و بررسی شمول ادله با عناوینی مانند غیبت، هجو مؤمن و اشاعه فحشا و تبیین جایگاه افشاگری فساد جهت نهی از منکر، به این نتیجه رسیده‌ایم که افشاگری مفاسد کارگزاران با رعایت شرایط فقهی آن، جایز است.

واژگان کلیدی

عدالت‌خواهی؛ افشاگری؛ فساد؛ کارگزاران؛ حکومت اسلامی.

* دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
masoud.maddah110@gmail.com

** استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

*** استاد، سطح عالی و خارج حوزه‌های علمیه، قم، ایران.

مقدمه

امروزه یکی از مسائل مبتلابه و چالش‌برانگیز در حوزه عدالت‌خواهی، مسئله افشاگری نسبت به مفاسد مسئولین حکومتی است که به دلیل مستحدثه بودن مسئله، منابعی که این موضوع را مستقیماً مورد دقت قرار داده باشند، بسیار معدود است و آنچه می‌توان به عنوان پیشینه بیان کرد در دو دسته عمده خلاصه می‌شود.

اولاً، از آنجاکه افشاگری علیه فساد، ذیل فروع بحث «امر به معروف و نهی از منکر» قرار می‌گیرد، به‌طور عام پایان‌نامه‌ها و کتب فقهی مرتبط با موضوع امر به معروف و نهی از منکر، بعضاً اشاراتی نسبت به این مهم داشته‌اند، اما این تحقیقات به‌طور خاص نسبت به موضوع افشاگری و قلمرو و چالش‌های حقوقی آن به‌عنوان ابزاری برای نهی از منکر پرداخته‌اند.

ثانیاً، تحقیقاتی که پیرامون «افشای سر»، در فقه و حقوق صورت گرفته‌اند، عمدتاً ناظر به جنبه منفی افشاگری هستند که در این تحقیقات، از حیثیات متعدد فقهی، اخلاقی یا به‌عنوان مجرمانه در حقوق جزا (ر.ک به: مواد ۵۸۲، ۶۴۸ و ۶۶۹ تعزیرات (کتاب پنجم) قانون مجازات اسلامی) مسئله را مورد مطالعه قرار داده‌اند حال آنکه در این تحقیق، افشای فساد در مواردی مورد بحث قرار گرفته است که چه‌بسا تحت شرایطی، مصداقی برای واجب و مقدمه نهی از منکر باشد.

لذا می‌توان گفت در این موضوع، تحقیقی جامع با رویکرد فقهی و بررسی مسئله توأم با بیان قوانین کیفری، صورت نگرفته است و جز بیانات و مصاحبه‌های برخی از فقهای معاصر — آن هم به‌صورت مختصر — تحقیقات مؤثری در این خصوص وجود ندارد. به‌طور خلاصه در این تحقیق پس از بیان کلیات و مفاهیم، بدو جهت استنباط حکم شرعی افشاگری، پیرامون تعارضات بدوی با ادله شرعی دیگر صحبت شده است. در مرحله بعدی، دلایل مثبت جواز، مورد بررسی قرار گرفته است و در مرحله سوم، پیرامون حدود و ثغور افشاگری سخن به میان آمده و در آخر نیز با بیان قوانین مرتبط و مقایسه با حکم شرعی، به کشف چالش‌های احتمالی در قانون و حل این مشکلات پرداخته شده است.

۱. افشاگری در لغت و اصطلاح

واژه «افشا» در لغت فارسی به معنای آشکار کردن، فاش کردن، انتشار دادن و پدیدار ساختن آمده است و افشاگر به معنای آشکارکننده آمده (لغت‌نامه دهخدا) و با آنچه در زبان عربی آمده، مترادف است؛ زیرا لغویون ریشه آن را «فشأ» دال بر انتشار دادن و آشکار ساختن دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص. ۱۵۵؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ۲، ص. ۴۷۳).

مراد از افشاگری در اصطلاح این تحقیق، اطلاع‌رسانی فساد به سایرین است تا با افزایش تعداد مطلعین و به‌تبع آن، افزایش تعداد آمران به معروف و ناهیان از منکر یا افزوده شدن قدرت آنان، اقدام متناسب با رفع یا دفع منکر صورت پذیرد؛ چه اینکه برخی از مفسرین در ذیل آیه: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ...» (نساء / ۱۴۸) بیان داشتند که «منظور از کلمه «سوء»، هرگونه بدی و زشتی است و منظور از «جهر»، هرگونه ابراز و اظهار لفظی است خواه به‌صورت شکایت، حکایت، نفرین، مذمت یا غیبت و مانند آن باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص. ۱۸۴). بنابراین، بدو می‌توان گفت افشاگری فساد تحت شمول ادله حرمت غیبت قرار بگیرد و با دلایل متعدد، دال بر لزوم احترام مؤمن دارای تعارض باشد که این موضوع باید تبیین شود.

۲. افشاگری از دیدگاه شرع

به جهت استنباط دیدگاه شارع مقدس در خصوص افشاگری فساد، به نظر می‌آید که بعد از بیان جایگاه موضوع و مبانی آن در ادله شرعی نقلی، لازم است در خصوص تعارضات احتمالی این مسئله با سایر ادله بحث کرد و نهایتاً به تحقیق در مورد ادله جواز افشاگری پرداخت. پیش از ورود به بررسی مبانی، لازم است در خصوص ارتباط افشاگری فساد با نهی‌ازمنکر، این نکته لحاظ شود که افشاگری فساد در مواردی می‌تواند — با لحاظ شرایط و مراتب موجود در باب نهی‌ازمنکر — مصداقی برای نهی‌ازمنکر شناخته شود مانند اینکه یک کارمند از مدیر خود فسادی را مشاهده می‌کند که می‌تواند اثرات مخرب اجتماعی به بار بیاورد و با لحاظ اهمیت موضوع و یقین به عدم اثرگذاری تذکرلسانی انفرادی، او احتمال می‌دهد که اگر موضوع را گزارش دهد یا بین کارکنان دیگر افشا کند، فشار اجتماعی و نهی‌ازمنکر جمعی آن‌ها نسبت به این فساد، مؤثر است و موجب رفع آن خواهد شد تا اثرات فساد را نیز دفع کند. در

این‌گونه مصادیق می‌بینیم که افشاگری به‌عنوان ابزاری برای نهی‌ازمنکر استفاده شده است و همین مورد نیز محل بحث در این تحقیق خواهد بود.

۲-۱. مبانی و جایگاه موضوع در ادله شرعی نقلی

فقها یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی‌ازمنکر را احتمال تأثیرگذاری امر یا نهی دانسته‌اند؛ بدین معنا که فرد آمر و ناهی احتمال دهد امر و نهی‌اش در شخصی که واجبی را ترک کرده یا حرامی را مرتکب شده است، اثری داشته باشد (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۲۴۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۱)؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۶۸؛ نجفی خوانساری، ۱۳۹۸ق، ج ۵، ص ۴۰۴؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۶؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۸). در این مسئله به‌طور کلی سه دیدگاه مطرح است و چون از قول مشهور دوگونه برداشت وجود دارد، در قالب چهار نظریه می‌توان بیان کرد.

۱. برخی از فقها احتمال تأثیر را شرط وجوب فریضتین نمی‌دانند (حسینی

روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۲۴۹) یا به‌واسطه تفسیر موسع این شرط را نفی کردند. عمده دلیل این نظر، استناد به آیه ۱۶۴ سوره اعراف است که درباره اصحاب سبت نازل شده: «وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا لَلَّهِ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إلی رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ». در این آیه شریفه، سه دسته از مردم را می‌توان بیان کرد که تنها یک دسته از آن‌ها نجات یافتند. دسته اول، کسانی که غرق فساد بودند. دسته دوم، افرادی که در مقابل گناهان ساکت بودند و به آمران به معروف می‌گفتند، چرا این قومی را که معذب هستند، امر و نهی می‌کنید؟ (امر و نهی آن‌ها اثری ندارد). دسته سوم، آمران به معروف و ناهیان از منکر هستند. با اینکه آن‌ها امید کمی نسبت به اصلاح مردم داشتند، اما به دلیل اطاعت از امر خدای متعال و اینکه در آخرت معذور باشند، به امر به معروف و نهی‌ازمنکر ادامه دادند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۲۹۵).

۲. عده‌ای دیگر احتیاط را مد نظر قرار دادند به اینکه اظهار تنفر از منکر ولو احتمال تأثیر نباشد، واجب است (سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۸).

۳. قول مشهور است که احتمال اثر را شرط وجوب امر به معروف و نهی‌ازمنکر

می‌دانند، ولی اگر قطع به عدم تأثیر باشد، اصلاً واجب نیست، اما اگر ظن به عدم تأثیر باشد، دو نظر در میان قائلین به نظر مشهور مطرح شده است. ۱- عده‌ای قائل به سقوط وجوب امر به معروف و نهی از منکر شده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص. ۳۶۹). ۲- عده‌ای دیگر قائل به وجوب فریضتین هستند و تنها در مورد قطع و یقین به عدم تأثیر، تکلیف را ساقط می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص. ۳۶۹).

برخی از فقها با گسترش مفهوم تأثیر، مواردی را داخل در تأثیر می‌دانند که با در نظر گرفتن آن، چه بسا قول نخست تقویت شود (حب‌الله، ۱۳۹۶، ص. ۴۱۷). اینان قائل شدند که تأثیر، هم اثر فعلی و هم اثر آینده را شامل شود (موسوی خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۴۶۹) یا ممکن است اثر به سبب تکرار، استیفا شود یا از آن وسیع‌تر اینکه، ممکن است تأثیر بر دیگران باشد (موسوی خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۴۶۹) یا یک بخش مهمی از اثر بر خود آمر یا ناهی باشد؛ به این معنا که غرض شارع مقدس در ابتدا، احیای روحیه دغدغه‌مندی و مسئولیت‌پذیری مؤمنین نسبت به جامعه اسلامی است؛ البته اگر مفهوم اثر را با این وسعت مذکور در نظر بگیریم، می‌توان گفت امر و نهی همیشه اثر دارد و در خارج، موردی یافت نمی‌شود که هیچ اثری نداشته باشد و اگر هیچ اثری را نتوان به‌عنوان غرض و مطلوب شارع بیان کرد وجوب دو فریضه مذکور ساقط خواهد بود^۱.

برخی معتقدند مصلحت امر و نهی به اثرپذیری گناهکار نیست، بلکه همه مکلفین باید در مواجهه با فساد اقدام کنند؛ زیرا لازم است در جامعه اسلامی، معروف گسترش یابد و منکر مهجور و منفور شود. این همان طبق هدف غایی امر به معروف و نهی از منکر است که حفظ مصالح جامعه اسلامی است (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص. ۲۴۹).

نکته مهم در شرط اثرگذار بودن، آن است که اگر مکلف بداند که امر به معروف و نهی از منکر او اثرگذار است، شکی در وجوب فریضتین وجود ندارد، اما اگر بداند که به‌تنهایی اثر ندارد، ولی احتمال می‌دهد که اگر به‌صورت گروهی در یک مرتبه یا چندین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر کنند، تأثیر خواهد داشت، در این صورت فراهم کردن چنین حالتی بر مکلف از باب مقدمه واجب، واجب است؛ البته نکته مذکور از

اطلاق ادله امر و نهی مستفاد است، و همچنین، بر دیگران نیز واجب است که او را برای نهی از منکر یاری دهند (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص. ۲۵۲). با لحاظ این مسئله، درمی‌یابیم که افشاگری نسبت به فساد در شرایطی که نهی از منکر منوط بر تحقق آن باشد و مصداقی برای مقابله با فساد قرار بگیرد — با رعایت مراتب و لحاظ شرایط دیگر در امر و نهی — از باب مقدمه واجب خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر ناهی از منکر برای رفع یا دفع منکر یقین به عدم تأثیر مراتب خفیفه نهی از منکر داشت (مثلاً تذکر لسانی را مؤثر نمی‌دانست) یا مسئله از جمله موضوعاتی بود که نزد شارع مقدس دارای ملاک اهم باشد، حیث اینکه احتمال بدهد با انجام نهی از منکر در مراتب بالاتر مؤثر واقع می‌شود و افشاگری فساد مصداقی برای آن باشد، نه تنها افشاگری جایز، بلکه در مقام عمل اگر دفع و رفع فساد را متوقف بر این بدانند، این مصداق خاص، از باب مقدمه واجب می‌شود.

۲-۲. بررسی شمول ادله غیبت، حفظ حرمت مؤمن و...

هرچند به نظر می‌رسد حکم افشاگری فساد نیز به دلیل مطابقت مصداقی با افعال متعددی که شارع مقدس آن‌ها را نهی کرده، حرمت باشد؛ زیرا افشاگری ممکن است موجب غیبت، از بین رفتن حرمت مؤمن و تخریب شخصیت شود یا در برخی موارد، مصداق اشاعه فحشا و مانند آن باشد. اما پس از دقت در مسئله و تشریح هریک از این عناوین، به این نتیجه می‌رسیم که نه تنها افشاگری به جهت نهی از منکر حرام نیست، بلکه در بعضی از موارد، چه بسا واجب هم هست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص. ۶۱). برای تبیین این مسئله، ابتدا تعارض‌های بدوی و احتمالی را مورد بررسی قرار داده و سپس ادله خاص مرتبط با افشاگری فساد با هدف نهی از منکر و مؤیدات آن را بیان خواهیم کرد.

۲-۲-۱. افشاگری فساد و ادله حرمت غیبت

خداوند متعال به صراحت در خصوص حرمت غیبت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أُوْحِبُّ أُوْحَدِكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲) (و

نیز در سوره‌های همزه/۱ و نساء/۱۴۸). همچنین، در منابع روایی در مذمت و تقبیح غیبت روایات زیادی نقل شده؛ به حدی که شیخ انصاری (رحمت‌الله علیه) به «ما لایحیی» تعبیر کرده‌اند (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۳۱۵). از جمله روایتی از پیامبر خدا (صلوات‌الله علیه) که فرمودند: «الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزَّانَا» و چون دلیل آن را پرسیدند، در پاسخ فرمودند: «صَاحِبُ الزَّانَا يَتُوبُ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ يَتُوبُ فَلَا يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَكُونَ صَاحِبَهُ الَّذِي اغْتَابَهُ يُحِلُّهُ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص. ۵۸۸) (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۶۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۳۸). بنابراین، شکی در حرمت غیبت و هجو مؤمن وجود ندارد (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص. ۴۹۷). به نظر ما، وقتی ادله حرمت غیبت را در مقابل ادله وجوب نهی از منکر بررسی می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که می‌توان افشاگری فساد برای نهی از منکر را یکی از موارد استثنای غیبت محسوب کرد.

بیان مطلب آن است که فقها موارد متعددی را به‌عنوان استثنای غیبت بیان کرده‌اند که با ادله خاص از موضوع غیبت محرم به تخصیص خارج شده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص. ۱۴۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص. ۶۰؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص. ۴۳۶) و چون در کتب فقهی به تفصیل بیان شده از ذکر آن صرف‌نظر کردیم و تنها به ادله مورد بحث اکتفا می‌کنیم.

اول. یکی از موارد استثنای حرمت غیبت، جایی است که شخص غیبت‌کننده برای اظهار ظلمی که به او یا به مجموعه مردم در جامعه اسلامی شده است، ظلم را نزد کسانی که نمی‌دانند، بیان کند (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۳۴۷) و استثنا در آیه: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ...» (نساء/۱۴۸) بیانگر همین مطلب است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص. ۱۳۲؛ شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص. ۱۳۰)؛ یعنی جایی که به قصد رهایی از ظلم افراد فاسق یا به قصد اینکه اشخاص عاصی از ارتکاب منکرات خودداری کنند، جایز است که معاصی و منکرات آنان را علنی و آشکار کنیم تا عامل بازدارندگی آنان از ادامه ارتکاب ظلم باشد. این اقدام نه تنها جایز، بلکه در حق خود آنان، از موارد احسان است.

دوم. مقتضای عمومیت و اطلاق ادله نهی از منکر، جواز افشای فسق کارگزاران با

قصد نهی از منکراست؛ زیرا شیخ انصاری (رحمت الله علیه) همین مورد را از استثنائات غیبت دانسته است: «و منها- قصد ردع المغتاب عن المنکر الذی یفعله، فإنه أولى من ستر المنکر علیه، فهو فی الحقیقة إحسان فی حقه، مضافاً إلى عموم أدلة النهی عن المنکر» (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۳۵۳).

بنابراین، در جواز افشاگری، گزارش‌دهی و غیبت از کارگزاران ظالم یا فاسق حکومت جای تردید نیست.

۲-۲-۲. افشاگری فساد و ادله حفظ حرمت مؤمن

درباره حرمت و احترام مؤمن، پیامبر خدا (صلوات الله علیه) فرمودند: «المؤمن حرام کله عرضه و ماله و دمه» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص. ۱۳۷) و از طرفی می‌دانیم که در بعضی موارد مانند دفاع مشروع و حفظ مال یا مقابله با محارب یا باغی و مانند آن، با رعایت شرایط حرمتی ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص. ۵۸۳).

بیان مطلب آنکه، اگر اقدامات کارگزار حکومت موجب تزییع بیت‌المال مسلمین یا لطمه به فرهنگ اسلامی شود، به یقین از مصادیق فساد و ظلم بوده و فاعل آن حرمتی نخواهد داشت و وجوب حفظ آبروی وی معنا ندارد (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص. ۴۳۸). مدعای مذکور از شواهد بسیاری در حکومت علوی (علیه السلام) مستفاد خواهد شد. در این تحقیق، به جهت رفع ابهام، بعضی از برخوردهای حضرت با کارگزاران فاسد یا بی‌مبالات را اشاره می‌کنیم.

شاهد اول. از آنجاکه اولویت حکومت حضرت، مبارزه با مفاصد اقتصادی بود، نسبت به کسانی که رنگ و بوی اشرافیگری و تجمل‌پرستی پیدا می‌کردند، با نوشتن نامه‌ای با لحن عتاب و تهدید، به گونه‌ای که در تاریخ ثبت شود، نهی از منکر کردند. نمونه آن نامه حضرت به عثمان بن حنیف که در مهمانی ثروتمندان و اشرافیان تجمل‌گرا شرکت کرده بود و حضرت فعل او را در مقام کارگزار حکومت اسلامی، به شدت تقبیح کردند. نکته قابل توجه آن است که حضرت به تذکر زبانی و شفاهی اکتفا نکردند، بلکه برای ثبت در اذهان عمومی و انتشار مواضع حکومت علوی در سطح اجتماع، به او نامه نوشتند (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۱۷).

شاهد دوم. همچنین، نامه حضرت به شریح قاضی که خانه‌ای به قیمت هشتاد دینار

خریداری کرده بود. این در مقایسه با فساد مالی کارگزاران در دوران خلفای دوم و سوم، مبلغ اندکی بود، اما حضرت نامه‌ای نوشته و با مضامین بسیار عالی او را به مرگ و بی‌رغبتی نسبت به دنیا آگاهی و هشدار دادند (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۳۶۵).

شاهد سوم. حضرت جهت برخورد با «ابن هرمه» — کارگزار حضرت در بازار اهواز — به رفاعه بن شداد که قاضی شهر اهواز بود، دستور می‌دهد تا ابن هرمه را در بازار برده و پس از ضرب شلاق در ملاً عام، با خواری و سرزنش با نام «خائن» به زندان ببرند (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص. ۵۳۳).

شاهد چهارم. حضرت در نامه‌ای به «زیاد بن ابیه» که جانشین عبدالله بن عباس در بصره بود، با لحن شدیدی او را تهدید می‌کنند که اگر بر بیت‌المال خیانت کند، طوری بر او سخت بگیرد که توان تأمین هزینه‌های روزمره خویش را نداشته باشد. (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۳۷۷).

شاهد پنجم. در جای دیگر خطاب به عبیدالله بن عباس، نسبت به خیانت او به بیت‌المال چنین می‌فرماید: «...فَاتَّقِ اللَّهَ وَ ارْجُءْ إِلَى هَوْلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ أَمَكَّنِي اللَّهُ مِنْكَ لَأُعْذِرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ وَ لَأُضْرِبَنَّكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ...» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۱۴). در سیره عملی و حکومتی حضرت از این موارد فراوان داریم که حضرت بدون هیچ ملاحظه‌ای نسبت به سوابق و آبروی اشخاص، جهت بیداری اذهان عمومی و مشخص کردن شیوه حکومت اسلامی، فاسدان حکومت را رسوا کردند (ذاکری، ۱۳۹۷).

بنابراین، کسانی که مصالح عظیم حکومت اسلامی را به دلیل تعارض منافع شخصی یا حزبی در نظر نگیرند و حقوق مردم را در بیت‌المال پایمال کنند، باید تخلفات آنان به‌عنوان نهی‌ازمنکر مورد افشا قرار گیرد تا موجب رسوایی و خواری آنان شود و لذا حکم به جواز آن، اشکالی نخواهد داشت.

۲-۳. افشاگری فساد و ادله حرمت اشاعه فحشا

برخی بر این باورند که بیان مفاسد دیگران در جامعه و پخش آن، موجب اشاعه فحشا می‌شود و خدای سبحان از آن نهی فرمودند: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ

آَمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور/۱۹).

در پاسخ باید گفت بله؛ اگر افشای گناهان مختلف در جامعه بدون قصد نهی از منکر باشد و مؤمنین در برابر آن قیام نکنند، چه بسا به مرور زمان گناه نزد مردم عادی شده و مصداقی برای اشاعه فحشا بشود؛ زیرا اشاعه فحشا در قالب مصادیق متعددی قابل تحقق است. برای مثال، ممکن است دروغ و تهمت را دامن بزنند، مراکز فساد و فحشا ایجاد کنند یا وسایل و ابزار فحشا را در اختیار مردم بگذارند یا باعث شود اشخاص، گناه و معصیت را در ملاء عام انجام دهند یا گناه را سبک و کوچک در جامعه جلوه بدهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص. ۴۰۵) و لذا نقل است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تقبیح این عمل فرمودند: «مُذِيعُ الْفَاحِشَةِ كَفَاعِلُهَا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۷۰۵). ذکر این نکته حائز اهمیت است که قصد گسترش فحشا یا عدم قصد آن، مداخلیتی در تحقق عنوان افشای فحشا ندارد؛ زیرا ممکن است شخص با لجن پراکنی در جامعه اسلامی، در عمل گناه را رواج دهد بدون آنکه قصد اشاعه فحشا را داشته باشد.

اما اگر گزارش دهی یا افشاگری نسبت به یک فساد با هدف برچیده شدن آن باشد و با تهییج قلوب مردم و تذکر و قصد نهی از منکر و قیام در برابر منکر باشد، مصداق اشاعه فحشا نخواهد شد؛ همچنان که یکی از شئون مبارزاتی انبیا و امامان (علیهم السلام) این بود که با بیان مفاسد و عواقب آن (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۱۵۱)، موجبات بیداری مردم را فراهم کنند تا با قیام عمومی نسبت به فساد، بسترهای رشد و کمال را مهیا کنند.

به سخن دیگر، می توان تفاوت این دو دسته گزارش دهی عمومی را مانند سخنان انبیا و شیطان درباره معصیت تشبیه کرد؛ زیرا یکی از عواقب و خطرات آن، انذار می دهد تا کسی مرتکب گناه نشود (ر.ک به: نبأ/۴۰، ابراهیم/۴۴، نوح/۱، سبا/۴۶ و احقاف/۱۲)، ولی دیگری گناه را تسویل (محمد/۲۵) و زینت (انفال/۴۸) می دهد تا بین افراد گسترش یابد.

مطابق آنچه در شریعت مقدس اسلامی وارد شده است، قانون گذار جمهوری اسلامی ایران نیز در قوانین متعددی اشاعه فحشا را جرم انگاری کرده و در تبصره ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا

محسوب شود؛ هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت کند، مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد» و با توجه به اینکه این مفسده بیشتر با رسانه‌ها و مطبوعات مرتبط است، در ماده ۶ قانون مطبوعات، اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰، یکی از موارد ممنوعه برای نشریات را «اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی» دانسته است. همچنین، در مواد ۱۴ و ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، هرگونه تولید، نشر، تبلیغ و ترویج، تسهیل یا آموزش محتوای مستهجن و مبتذل یا جرائم منافی عفت عمومی را به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات، جرم‌انگاری کرده است.

به نظر می‌رسد قدر متیقن از اشاعه فحشا در قوانین، با توجه به قرائن موجود، همان نشر و گسترش اعمال خلاف عفت عمومی است که شارع مقدس نیز در هیچ شرایطی راضی به نشر و پخش آن نیست، اما در خصوص مفاسد کارگزاران که عمدتاً جنبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارند، به نظر می‌رسد که قانون در این موارد یا ساکت است و در مواضعی که اطلاقات قانونی آن‌ها را دربرمی‌گیرد، باید بررسی شود.

۲-۳. ادله مشروعیت افشای فساد

در مورد مشروعیت و جواز افشاگری مفاسد کارگزاران، دلایلی را می‌توان اقامه نمود که موارد زیر هستند.

۲-۳-۱. دلیل اول

علاوه بر اطلاق ادله نهی از منکر که عمده دلیل بر جواز، بلکه وجوب افشاگری از باب مقدمه برای نهی از منکر مطرح شد، دلایل دیگری را می‌توان اقامه کرد که افشاگری در آن‌ها برای دفع و رفع منکر نه تنها جایز، بلکه واجب است؛ زیرا دفع یا رفع اغلب منکرات سیاسی و اجتماعی لازمه‌اش ورود مردم به عنوان ناهیان عمومی از منکر است که در بسیاری از موارد، موجبات تحول و تغییر نظام‌ها را فراهم می‌کنند. این امر زمانی محقق می‌شود که مردم فساد را اطلاع داشته باشند تا نسبت به دفع یا رفع منکر اقدام کنند؛ زیرا در صورت ترک فریضتین، هر عذابی ممکن است جامعه را فراگیرد و مطابق با ضابطه کلی قرآن کریم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱)،

تمام مردم جامعه مسئولیت دارند که از شکاف برداشتن کشتی نجات اُمت - یعنی حکومت اسلامی - جلوگیری کنند و به‌طور قطع، عمل به این تکلیف بدون افشاگری فساد مفسدان حکومتی ممکن نیست.

۲-۳-۲. دلیل دوم

همان ادله مذکور در موارد جواز غیبت، هجو و سب مفسدان است که افشاگری به‌عنوان مصداقی از آن‌ها مشروعیت پیدا می‌کند.

۲-۳-۳. دلیل سوم

در موارد متعددی دفاع از جان، مال و مسائلی مانند آن تأکید شده است که با رعایت شرایط حتی قتل مهاجم نیز جایز است (منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۱۶؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۶۹). حال با قیاس اولویت بین مال شخصی با بیت‌المال، دفاع از ناموس خود نسبت به دفاع از نوامیس مسلمین و... می‌توان گفت مسائل مرتبط با کارگزاران و حکومت به طریق اولی، این اقدامات جهت ریشه‌کن کردن منکر مشروع است.

۲-۳-۴. دلیل چهارم

روایاتی که در وسائل‌الشیعة تحت عنوان «بَابُ وُجُوبِ إِنْكَارِ الْعَامَّةِ عَلَى الْخَاصَّةِ وَ تَغْيِيرِ الْمُنْكَرِ إِذَا عَمِلُوا بِهِ» وارد شده است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۱۳۶). دلالت این روایات آن است که هرگاه مسئول و حاکم فساد کند و مردم او را مورد امر و نهی قرار ندهند، یکی از موارد نزول عقاب و عذاب خواهد بود. برای مثال، امام‌صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَضُرَّ إِلَّا عَامِلَهَا فَإِذَا عَمَلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ أُضْرَتْ بِالْعَامَّةِ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يُدَلُّ بِعَمَلِهِ دِينَ اللَّهِ وَ يَقْتَدِي بِهِ أَهْلُ عِدَاوَةِ اللَّهِ» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۱۳۶). پس اگر در مصداقی خاص، افشاگری تنها یا مؤثرترین راه برای نهی‌ازمنکر بود، به‌عنوان یکی از مقدمات یا از مصادیق آن، نه تنها مطلوب شارع، بلکه لازم و ثابت است.

۲-۳-۵. دلیل پنجم

ادله دال بر وظیفه عمومی مردم در قیام برای تشکیل حکومت اسلامی، مبارزه با مظاهر فساد و طاغوت، حفظ و حمایت از حاکمیت اسلامی است (خمينی، بی تا، ص. ۱۴؛ صافی گلپایگانی، بی تا، ص. ۱۵؛ عراقی، ۱۴۱۳ق، ص. ۷۹).

به دیگر سخن، مستفاد از ادله لزوم امر به معروف و نهی از منکر، آن است که آحاد مردم در برابر فساد حاکمان وظیفه دارند؛ زیرا حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) در بیان هدف قیام خود، روایتی از رسول خدا (صلوات الله) را بیان کردند که: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِتًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ بَقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَوَلَّوْا عَنْ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَأَظْهَرُوا الْفُسَادَ وَعَطَّلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْتَرُوا بِالْفِئَةِ وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَمُوا حَلَالَهُ وَإِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص. ۳۸۲) و البته وظیفه مذکور تنها در برابر ستم حاکم نیست، بلکه در برابر ظلم و فساد کارگزاران حکومت به حکم عقل، اولی و اوجب است. نقش مردم در حکومت دینی آن قدر مهم است که در منابع شیعی به عنوان حقوق متقابل میان مردم و حاکمان، مسئله نصیحت و خیرخواهی از وظایف امت در برابر امام و حکومت شمرده شده است. همان گونه که امیرالمؤمنین (علیه السلام) مسئولیت مردم نسبت به حاکم اسلامی را «...و النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ...» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۷۹) بیان کرده است؛ زیرا یکی از مصادیق خیرخواهی آن است که مفساد موجود در حکومت گزارش داده شود تا فساد گسترش نیابد و اصلاح (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، صص. ۱۸۹ و ۴۲۸) برای حاکم اسلامی سخت نشود. برای مثال، زمانی که به حضرت گزارش رسید که عبدالله بن عباس - فرماندار بصره - با بنی تمیم در بصره به دلیل جنگ جمل، بدرفتاری کرده و آنها را حزب شیطان نامید، حضرت طی نامه‌ای به ابن عباس او را از این بدرفتاری نهی کردند. (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، صص. ۳۷۶).

۲-۳-۶. دلیل ششم

ادله‌ای است که معصومین (علیهم السلام)، علما را امر کرده‌اند تا در مواردی که بدعت‌ها

ظاهر می‌شود، بدون هیچ مماشاتی، حق را بیان کنند و نوعی افشاگری نسبت به مفاسد داشته باشند. مانند آشکارکردن علم علما در هنگام ظهور فتنه‌ها و بدعت‌ها، یا زمانی که در بین مردم گناهی به قدری شایع شده باشد که خوف تبدیل معروف به منکر و بالعکس وجود دارد (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص. ۲۵۲). در این صورت، امر به معروف و نهی از منکر مطلقاً وجوب پیدا میکند (موسوی خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۴۷۴)؛ زیرا رسول خدا (صلوات‌الله) فرمودند: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۵۵) یا روایت دیگری از حضرت علی (علیه‌السلام) منقول است که فرمودند: «إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمُهُ يُبْعَثُ أَتَنَ أَهْلِ الْقِيَامَةِ رِيحًا يَلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ حَتَّى دَوَابُّ الْأَرْضِ الصَّغَارِ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص. ۲۳۲) یا روایتی از امام باقر و امام صادق (علیهما‌السلام) که فرمودند: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلِبَ مِنْهُ نُورُ الْإِيمَانِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص. ۲۳۷). لذا آشکار کردن علم مساوق رد کردن بدعت‌گذار و نمایاندن چهره واقعی اهل بدعت و فتنه است که جز با افشاگری و آگاه‌سازی میسر نیست.

۴-۲. شرایط جواز افشا به قصد نهی از منکر عمومی

شرایطی را می‌توان بیان کرد که با وجود یکی از این موارد، افشاگری نسبت به فساد کارگزاران نه تنها شرعاً جایز باشد، بلکه با نظر به مراتب نهی از منکر، چه بسا در مواردی واجب شوند. این شرایط موارد زیر هستند.

- فساد از لحاظ ماهیت، جنبه عمومی باشد نه خصوصی؛ یعنی جرم باید از جرائم عمومی و غیرقابل گذشت باشد (مواد ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳ و ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)؛ زیرا در ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد، در صورتی که قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است؛ هر چند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد».

- فساد مخلّ به نظام باشد. اگر فساد کارگزاران از مصادیقی باشد که منجر به اختلال در

نظم، امنیت و آسایش عمومی شود یا موجب تضییع حق عمومی شود، به جهت اینکه شارع ابداً رضایت به اختلال نظام مسلمین ندارد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص. ۶۲۰)، می‌توان گفت گزارشگری و افشای آن واجب است؛ زیرا قانون‌گذار در مواردی که جرم علیه امنیت داخلی و خارجی باشد، به صرف اعلام جرم، آن را موجب تعقیب دانسته و در ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: «اما اگر اعلام‌کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد مگر آنکه دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد یا جرم از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد».

البته باید توجه داشت که قوت محتمل تنها در جرائم امنیتی موجود نیست، بلکه خیلی از جرائم علیه فرهنگ عمومی یا اقتصادی (مداح و حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰ش، صص. ۸۷-۸۴)۳، طبق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی می‌تواند مصداق این مهم باشد؛ زیرا حق عمومی شامل آن نیز می‌شود (ماده ۱ دستورالعمل «نظارت و پیگیری حقوق عامه») همچنین، در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، قانون‌گذار اعلام جرم توسط سازمان‌های مردم‌نهاد را به رسمیت شناخته است و آن‌ها علاوه بر اعلام، می‌توانند در مراحل دادرسی نیز شرکت کنند.

- ماهیت فساد به‌گونه‌ای فراقانونی باشد؛ به این معنا که اگر اقدامات افراد علیه فساد با رعایت قانون بدون همکاری و اطلاع به مقامات و نهادهای متصدی امر مبارزه با فساد ممکن نباشد یا فساد به‌گونه‌ای باشد که بدون مطالبه‌گری، افشاگری و بدون گزارش‌دهی، چه بسا نهادهای متصدی مطلع نمی‌شوند یا در صورت اطلاع قادر به اقدام نباشند در این موارد مردم باید وارد صحنه شده و جلوی فساد را بگیرند؛ زیرا اگر مقامات مسئول در حکومت اسلامی نسبت به دفع یا رفع فساد اهمال کنند، مسئولیت جلوگیری از ارتکاب فساد کارگزاران از مردم یا مؤمنین با رعایت مراتب نهی‌ازمنکر به دلیل «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص. ۳۸) ساقط نخواهد شد (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص. ۲۳۵).

۳. ویژگی‌های مفسد در افشای فساد

همان‌طور در شرایط امر به معروف و نهی‌ازمنکر برخی از شروط و وجوب، مرتبط با شخص گناهکار است (سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۴۱۸؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص.

۲۷۰؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۴۷۰)؛ در ما نحن فیه نیز به مناسبت می‌توان شرایطی را که غالباً در این موارد ممکن است در بهره‌مندی از ابزار افشاگری در نهی‌ازمنکر اثرگذار باشد، با لحاظ موارد پیشین برای کارگزار مفسد بیان کرد که در صورت وجود این شرایط، افشاگری فساد به‌عنوان راه‌حلی برای نهی‌ازمنکر عمومی است. موارد زیر از این شروط هستند.

- مفسد، متصدی مسئولیت عمومی مرتبط با نظام باشد؛ البته به معنای انحصار جواز افشاگری در این موارد نیست، بلکه این مورد از مصادیق مهم و اثرگذار در جامعه، به‌ویژه در جامعه دینی مطرح است و گرنه فساد افراد فعال در بخش‌های خصوصی و پیمان‌کاران مرتبط با بخش‌های دولتی و خصوصی نیز اگر فسادی دارند باید گزارش داد و جلوی فسادشان را گرفت.
- مفسد دارای شخصیت حقوقی باشد؛ به این معنا که خسارت و ضرر واردشده به حق عمومی یا حق‌الله، خواه بر اثر تقصیر یا قصور، خواه فعل یا ترک فعل و اعم از اینکه جنبه مسئولیت مدنی داشته باشد یا کیفری. لذا اگر کارگزار حکومت اسلامی به‌عنوان یک شخص حقیقی جرمی را مرتکب شود که در حیطه اشخاص و قابل گذشت باشد، گزارش دادن آن واجب نیست مگر اینکه اثرات و تبعات اجتماعی و سیاسی برای جامعه اسلامی داشته باشد یا به‌عنوان شخص حقوقی، جرم عمومی غیرقابل گذشت را مرتکب شود، می‌شود علیه او اعلام جرم کرد.
- شخصیت متخلف مفسد به‌گونه‌ای باشد که بدون گزارش فساد و اقدام مقامات و نهادهای مسئول مبارزه با فساد، ضرر و زیان وارده جبران نشود. لذا اگر بدانیم او قصد توبه یا جبران فساد ارتكابی را دارد یا با اجرای مراتب پایین‌تر قابل اصلاح بوده و عملکرد خودش را جبران می‌کند، افشاگری جایز نیست و تشخیص این امر به عهده ناهیان از منکر است (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۴۸۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص. ۳۷۰).

۴. شرایط گزارش‌دهندگان فساد

ازآنجاکه گزارش فساد یا افشای آن از مسائل مهم و نسبت به گزارش‌شونده بسیار حیاتی است مانند امر به معروف و نهی‌ازمنکر و سایر امور مهمه، در شریعت اسلام برای

ابعاد مختلف آن شرایط خاصی لازم است که در این نوشتار به آن اشاره می‌شود.

- لزوم عمل به تکلیف (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص. ۲۷۸):^۵ از آنجاکه امکان کم یا زیاد کردن یا پررنگ کردن فساد در گزارش وجود دارد، لازم است ناهیان منکر همه مراحل بازدارنده را فقط با قصد عمل به تکلیف و تحصیل رضای خدای سبحان انجام داده تا از هرگونه غرض‌ورزی شخصی و حزبی و مانند آن حتماً پرهیز شود و همچنین، اگر بدانیم فساد با تذکر لسانی از بین می‌رود، نوبت به اقدام قضایی یا گزارش‌دهی و افشاگری نمی‌رسد؛ زیرا در نهی از منکر باید مراتب مترتبه اثرگذاری را مراعات کرد.

- لازم است علم به منکر و علم به حق قطعی و عمومی تضييع شده با فساد را داشته باشد (موسوی خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۴۶۶) و اما اگر علم نداشته باشد، بلکه ظن و گمان به فساد داشته باشد، می‌تواند به مقامات مسئول گزارش دهد (ر.ک به: ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری).

- اگر آشکار شدن هویت گزارشگران به مصلحت نباشد و احتمال خوف ضرر و مفسده هم وجود داشته باشد، مسئله باید محرمانه بررسی شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص. ۳۷۰؛ کرکی، ۱۴۱۴ ه ق، ۳: ۴۸۷)^۶. به همین دلیل، قانونگذار در ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی بیان می‌دارد: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است».

- رعایت حریم خصوصی دیگران: گزارشگر حق ندارد از طریق تجسس (حجرات/۱۲)، تحقیق و تفحص به تهیه گزارش پردازد (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ق، ج، ص. ۱۰۱۵)^۷؛ زیرا تجسس، تحقیق و تفحص چه در مورد کارهای عمومی و چه در مورد کارهای خصوصی، به حکم اولی جایز نیست (ماده ۳، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر) مگر با مجوز قانونی مقامات مسئول و طبق ضوابط شرعی و قانونی (ر.ک به: قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۴۳، ۵۵، ۹۸، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲ و...). لذا عموم مردم به جهت حفظ مصالح عمومی، حق چنین کاری را ندارند، اما اگر مأمورین و مقامات مسئول در پیگیری موضوع اهمال کنند و موضوع از موارد مهم باشد، مستفاد از ادله سابق‌الذکر، آن است که عموم مردم موظف به رفع و دفع منکر

هستند و در این صورت، اگر تفحص و تجسس از جهت مقدمه لازم باشد، به حسب قواعد ثانوی با رعایت مقدار ضرورت، اشکالی ندارد. برای مثال، اگر خبرنگاری نسبت به وقوع یک جرم علیه امنیت اقتصادی یا فرهنگی کشور آگاه شود و با مشاهدات عینی نسبت به ارتکاب آن به قطع برسد، اما دستگاه‌های نظارتی و امنیتی به دلیل عدم وجود مستندات، به قول او توجه نکنند یا به دلیل اهمال و مسامحه پیگیری نکنند، اگر این خبرنگار به دلیل مصلحت اهم، در افشای آن جهت جلوگیری از تحقق فساد اقدام به تجسس یا فیلم‌برداری کند، هرچند از مصادیق ممنوعه باشد، نباید او را به دلیل تجسس و تفتیش مجازات کرد.

- لزوم صحت و مستند بودن گزارش در صورتی که گزارش‌دهنده بر اساس تهمت، کینه، غرض‌ورزی و نزاع شخصی و به قصد اضرار به غیر، در گزارش عمومی تعدی کند یا قصد اشاعه فحشا را داشته باشد، بدون بررسی سند گزارش و رعایت سایر شرایط، بر طبق قانون باید پاسخ‌گو باشد و در صورت عدم پاسخ‌گویی، گزارش‌دهنده به جرم نشر اکاذیب (بند «ث» ماده ۲ قانون جرم سیاسی) و افترا مستحق مجازات بوده، و حق دادرسی برای فرد متضرر - به دلیل حرمت مومن و حرمت غیبت مؤمن و حرمت ضرر به افراد - محفوظ است. بنابراین، اگر محرز شود عده‌ای یا نهادی به قصد اضرار به نظام، اضرار به مقامات عمومی و سلب اعتماد عمومی، فساد سیستمی را القا می‌کنند، در این موارد، آنان باید به‌عنوان مجازات تشهیر شوند. تشهیر در واقع به معنی رسواکردن آنان در میان مردم است تا جامعه به گزارش‌های آن‌ها بی‌اعتماد شود. قانون‌گذار نیز این موارد را در قوانین مختلفی جرم‌انگاری کرده است. برای مثال، در ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر کند، مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است، به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد» (بند «ج» ماده ۱ قانون «کاهش مجازات حبس تعزیری»). در تبصره این ماده نیز قانون‌گذار نسبت به اشاعه فحشا موضع گرفته و بیان می‌دارد: «در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب شود؛ هر چند بتواند صحت

اسناد را ثابت کند، مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد» یا در ماده ۶۹۸ همان قانون بیان داشته است که: «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی، با امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار کند یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت، در صورت امکان باید به حبس از دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود».

همچنین، می توان به قانون جرائم رایانه ای (مواد ۱۶، ۱۷ و ۱۸) یا بند ۱۱ ماده ۶ اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰، از قانون مطبوعات (ر.ک به: مواد ۲۴، ۲۹ و ۳۱) یا بندهایی از قانون رسیدگی به تخلفات اداری (ر.ک: بندهای ۱۱، ۱۸، ۲۷ ماده ۸ قانون رسیدگی افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری) اشاره کرد که قانون گذار انتشار مطالب خلاف واقع، نشر اکاذیب و افشای اسرار شخصی دیگران و... را جرم انگاری کرده است.

۵. بررسی انواع فساد و احکام افشای آن با لحاظ مصلحت نظام

با توجه به مباحث گذشته، احکام، افشای مفاسد کارگزاران حکومتی را با لحاظ حالات مختلفی که قابل متصور است و همچنین با لحاظ مصالح حکومتی بیان می کنیم.

۵-۱. انواع فسادهای درونی (احوال شخصی و خانوادگی)

- بعضی از موارد فساد هرچند به حریم شخصی و خانوادگی مربوط است، ولی اگر بر مسئولیت شخص اثرگذار باشد، در این حالت اگر افشاگری به قصد نهی از منکر لازم باشد، جایز است؛ زیرا- برای مثال - اگر شخصی که کارگزار امور مهم مملکت است، به گناه جنسی مبتلا باشد، غالباً سستی و اهمال ناشی از این فساد، در تصمیم سازی های او نسبت به مقابله با ناهنجاری های اخلاقی و فحشای جنسی، مؤثر خواهد بود یا اگر خود آن مسئول یا فرزند وی دارای تابعیت کشورهای بیگانه باشد، این احوال بر نگاه سیاست بین المللی و به ویژه کشورهای اقامت دار اثرگذار خواهد بود.

- بعضی از فسادهای فردی و خانوادگی که بر مسئولیت شخص اثرگذار نباشد. در این موارد حکم، عدم جواز افشاست. مانند آنکه شخصی در خفای خود مبتلا به گناهی مثل بداخلاقی، قطع رحم و مانند آن باشد که ظاهراً هیچ‌گونه اثر بیرونی که محل مصالح نظام اسلامی باشد، ندارد. در این صورت، ترویج گناه مصداق تجسس، غیبت یا اشاعه فحشاست.

۲-۵. فساد اداری، بیرونی و علنی

- اگر فساد شخص یا اشخاص، علیه امنیت، فرهنگ، اقتصاد و... مسلمین باشد، در این موارد حفظ اهم واجب است و اگر برای جلوگیری از اقدامات وی، نیاز به افشاگری عمومی باشد نیز واجب است. بنابراین، اگر فساد در مواردی باشد که به دلیل خطیر بودن و محرمانه بودن موضوع، افشای آن ضرر برای حکومت اسلامی باشد، بدیهی است که افشاگری به صورت عمومی قطعاً جایز نیست، بلکه صرفاً باید موضوع را به مقامات مربوط و درنهایت، به ولی فقیه گزارش داد مانند اخبار جنگ و مسائلی از این دست که افشای آن ممکن است موجب تضعیف اصل حاکمیت اسلامی شود. لذا برای مثال، در ماده ۶ (اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰) از قانون مطبوعات، یکی از موارد ممنوعه نشریات را «فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی» دانسته است که در صورت تخلف، مشمول مجازات طبق ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهند شد.

- اما اگر فساد انجام گرفته، علیه امنیت اخلاقی، اقتصادی و سیاسی و... جامعه اسلامی نباشد، ولی ممکن است از جمله فسادهایی باشد که به مصلحت عمومی جامعه اسلامی مانند تضعیف نظام اسلامی، ایجاد بدبینی نسبت به حکومت اسلامی، القای فساد سیستمی و... آسیب وارد کند، نباید نادیده گرفته شود، بلکه باید با نیت دلسوزی نسبت به نظام اسلامی و رشد و کارآمدی آن و با حفظ مرزبندی‌ها در مقابله با تضعیف‌کنندگان داخلی و خارجی نظام اسلامی،

افشاگری‌ها صورت بگیرد.

البته قبل از هرگونه اقدام عملی در راه عدالت‌خواهی و مبارزه علنی با فساد و افشاگری آن، توجه به این نکته لازم است که بیان احکام و آثار افشای فساد مسئولان و کارگزاران با هدف سالم‌سازی مجموعه مدیریت در نظام اسلامی در جهت ارتقای فرهنگ دینی مردم و ارزش‌های حکومت اسلامی تا برای عموم جامعه شبهه حاصل نشود و این افشاگری موجب تضعیف نظام اسلامی و ضربه زدن به آن نباشد (موسوی خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص. ۱۰۱۶).^۸

۶. پیشنهادها

بحث مذکور از دو جهت قابل ارائه نظر است. یک جهت، بحث صغروی و موضوعی است که لازم است نخبگان انقلابی از چند رشته تخصصی تک‌تک مواردی را که شک در فساد معارض با مصلحت نظام یا موجب اختلال نظام است، با اخلاص کامل و رعایت شدت عدالت مورد بحث و بررسی قرار دهند؛ به نحوی که عملکرد آنان متسالم علیه بوده و از اماره قطعیه موضوعیه محسوب شود.

دیگر جهت، بحث کبروی و فقهی است و آن، بررسی علمی و دلالت ادله است. در مسئله مذکور تقابل دو دسته دلیل یعنی ادله حفظ حرمت و عرض مؤمن و مانند آن در مقابل ادله دال بر افشای فساد مخلاً و سیره حکومتی مظهر عدل، آنچه در نظر ایشان اقوی و احکم بوده، آن است که ادله دسته اول درباره رعایت حقوق مسلمین و مؤمنین به نحو لوخلی و نفسه صادر شده است که افراد نسبت به یکدیگر باید مراعات کنند. به همین دلیل هرگاه با ادله قسم دوم تقابل افتد، مصداق تعارض بدوی بوده و معنای مقصود پس از تخصیص چنین می‌شود که هرگاه فسادی خواه از کارگزار و خواه از غیر آنان که موجب تضعیف نظام اسلامی باشد، مرتکبین آن از احترام مذکور در ادله مطلقه مستثنا هستند.

نتیجه‌گیری

۱. گزارش‌دهی فساد به مقامات ذی‌صلاح بلاشکال است و افشاگری فساد به جهت نهی‌ازمنکر با شرایطی که اشاعه فحشا نباشد، نه تنها جایز، بلکه اگر احتمال اثر در

- آن باشد، با شرایط خاص نسبت به فساد و مفسد، واجب است.
۲. قانون‌گذار انتشار مطالب خلاف واقع، نشر اکاذیب و افشای اسرار شخصی دیگران و... را جرم‌انگاری کرده که در برخی موارد، ممکن است با افشاگری فساد تراحم پیدا کند و نظر مختار با توجه به سیره عملی و حکمرانی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، جواز افشای فساد کارگزاران در حکومت دینی است و در صورت متزاحم دانستن ادله لزوم حفظ سلامت حکومت و جامعه از فساد و نهی‌ازمنکر مردم در قبال ظلم کارگزاران با ادله حفظ حرمت و آبرو و مانند آن، افشای فساد کارگزاران به دلیل جلوگیری از اختلال در نظام اسلامی بر همه موارد سابق‌الذکر اهم است.
۳. در مواردی که به دلیل خطیر بودن و محرمانه بودن موضوع مانند اخبار جنگ و مسائلی از این قبیل که افشای آن ممکن است موجب تضعیف اصل حاکمیت اسلامی شود، افشاگری به صورت عمومی به‌طور قطع جایز نیست، بلکه باید موضوع را به مقامات مربوطه اطلاع و گزارش داد.

یادداشت‌ها

۱. ملک‌زاده، درس خارج فقه، حوزه علمیه مشکات.
۲. صرف اینکه از کسی فساد رخ دهد و دیگری متوجه آن شود، مجوز برای افشا نیست، بلکه در خصوص گناهان فردی توصیه به عیب‌پوشی نسبت به برادر مؤمن شده است. (برای مثال رک. به: مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۳۲).
۳. در مواردی که نزد شارع مقدس دارای ملاک اهم هستند، حتی موضوع قواعد ثانویه مانند تقیه، اضطرار و... آن‌ها را دربرنخواهد گرفت و مقابله با آن با هر طریقی از وظایف مسلمین به شمار می‌رود و اتفاقاً عدم مقابله با آن‌ها از نظر شارع اختلال نظام است.
۴. مانند شرط تنجز تکلیف یا شرط اصرار بر معصیت.
۵. رعایت شرایط الایسر فالایسر در نهی‌ازمنکر.
۶. شرط ایمن بودن از ضرر و زیان در امر به معروف و نهی‌ازمنکر.
۷. سؤال ۱۳۸۹: آیا جایز است دانشجویان یکی از مراکز آموزشی، گزارش‌هایی از منکراتی را که مشاهده می‌کنند، به مسئولان فرهنگی ارائه دهند تا از ارتکاب آن‌ها جلوگیری شود؟ جواب:

اگر گزارش‌ها درباره امور علنی باشد و عنوان تجسس و غیبت بر آن‌ها صدق نکند، اشکال ندارد و بلکه در صورتی که جزو مقدمات نهی از منکر باشد، واجب است.

۸. سؤال ۱۳۹۰: آیا بیان ظلم یا خیانت بعضی از مسئولین ادارات در برابر مردم جایز است؟ جواب: گزارش دادن ظلم به مراکز و مراجع مسئول برای پیگیری و تعقیب بعد از تحقیق و اطمینان نسبت به آن اشکال ندارد و حتی اگر از مقدمات نهی از منکر محسوب شود، واجب می‌شود، ولی بیان آن در برابر مردم وجهی ندارد، بلکه اگر موجب فتنه و فساد و تضعیف دولت اسلامی شود، حرام است.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۵ش/۱۹۶۶). *علل الشرائع* (۲ج). چ ۱، قم: کتاب‌فروشی داوری.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۶۲). *الخصال* (علی‌اکبر غفاری، محقق/مصحح) (جلد ۲). قم: جامعه مدرسین.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). *دعائم الإسلام* (فیضی، آصف) (محقق/مصحح) (۲ج). قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چ ۳، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع-دار صادر.

انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری (شیخ انصاری) (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات* (ط-الحدیثة). چ ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

بحرانی، آل‌عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة* (محمدتقی ایروانی، محقق/مصحح) (جلد ۲۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته

به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). *المحاسن* (جلد ۲). قم: دار الکتب الإسلامية.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم* (سیدمهدی رجائی، محقق/مصحح) (جلد ۱). قم: دارالکتاب اسلامی.

حب‌الله، حیدر (۱۳۹۶). *فقه امریه معروف و نهی از منکر* (علی‌الهی خراسانی، حسنعلی شیروی

- و محمدرضا ملایی، مترجمان). چ ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. حسینی روحانی، سیدصادق (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق علیه السلام* (جلد ۲۶). چ ۱، قم: دار الکتب-مدرسه امام صادق (علیه السلام).
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه) (۱۴۱۹ق). *نهایة الإحکام فی معرفة الأحکام* (۲ج) قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- خوانساری، سیداحمد بن یوسف (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع* (علی اکبر غفاری/ مصحح) (جلد ۷). چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ذاکری، علی اکبر (۱۳۹۷). *سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب علیه السلام* (۴ جلد). چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سبزواری، سیدعبدالأعلی (۱۴۱۳ق). *مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام* (۳۰ جلد). چ ۱، قم: مؤسسه المنار.
- سبزواری، محقق، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق). *کفایة الأحکام* (جلد ۲). چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- سیستانی، سیدعلی حسینی (۱۴۱۷ق). *منهاج الصالحین* (۳ج). چ ۵، قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
- شاهرودی، سیدمحمود هاشمی (۱۴۱۹ق). *بایسته‌های فقه جزا* (جلد ۱). چ ۱، تهران: نشر میزان- نشر دادگستر. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغة* (للسبجی صالح) (صبحی صالح، محقق/ مصحح). قم: هجرت.
- شاهرودی، سیدمحمود هاشمی (۱۴۲۳ق). *موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام* (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی) (جلد ۱۱). چ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. چ ۱، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (بی تا). *ضرورة وجود الحكومة أو الولاية للفقهاء*.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن* (ج ۲۰). چ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمد بن الحسن (شیخ طوسی) (۱۴۱۴ق). *الأمالی* (جلد ۱). قم: دار الثقافة.
عاملی، شیخ حر، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة* (۳۰ج). قم: مؤسسة آل البيت
(علیهم السلام).

عراقی، محسن (۱۴۱۳ق). *الولاية الإلهية و ولاية الفقيه* (۱ج). قم: مجمع الفكر الإسلامي.
فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير* (۲ج). قم: موسسه
دار الهجرة.

کرکی، عاملی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد* (جلد
۱۳). چ ۲، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الإسلامية)* (غفاری علی اکبر غفاری و محمد
آخوندی، محقق/مصحح). تهران: دار الکتب الإسلامية.

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار (ط - بیروت)* (۱۱۱ج). بیروت: دار
إحياء التراث العربی.

محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*
(عبدالحسین محمد علی بقال، محقق/مصحح) (۴ج) قم: مؤسسه اسماعیلیان.
مداح، مسعود (۱۴۰۰ش). *قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص در اعتراض به فساد و تقصیر
کارگزاران حکومت اسلامی*.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه* (۲۸ج). چ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامية.
منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ق). *دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية* (جلد
۴). قم: نشر تفکر. موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا). *تحریر الوسيلة*، (جلد ۲). چ ۱، قم:
مؤسسه مطبوعات دار العلم.

موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۴ق). *توضیح المسائل (محشّی)* (۲ج). چ ۸، قم: دفتر
انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

موسوی خمینی، شهید سیدمصطفی (بی تا). *ولاية الفقيه* (جلد ۱) (گروه پژوهش مؤسسه تنظیم
و نشر آثار امام خمینی قدس سره، مصحح). چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی قدس سره.

نجفی، محمد حسن (صاحب الجواهر) (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (۴۳

ج). چ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (مؤسسه آل البيت
(عليهم السلام)/مصصح) (جلد ۲۸). قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).

قوانین و آیین نامه ها

۱. دستورالعمل شماره ۱۰۰/۵۳۷۹۸/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۳، قوه قضائیه، «نظارت و پیگیری حقوق عامه».
۲. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
۳. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (مصوب ۱۳۹۹).
۴. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.